

# جمعه روز خوبی بود

برای آن که بدانی بازی کردن در فیلم خودت چه لذتی دارد باید کاری را انجام بدهی که مارلون براندو، کنت برانا، اورسن ولز، فردین، ایرج قادری، نیکی کریمی و جواد عزتی انجام داده‌اند. البته در یکی بودن دلایلشان باید شك کرد. لابد هر کدام برای این تصمیم دلیلی دارند (نمی‌خواهم بگویم به تعداد بازیگرانی که در فیلم خودشان بازی می‌کنند، دلیل وجود دارد، اما در بین دلایل مشترک می‌توان نمونه‌هایی اختصاصی هم پیدا کرد که به سلیقه فردی بازیگر - کارگردان برمی‌گردد) این که دلیل جواد عزتی به عنوان يك نمونه موفق بازیگری به حضور در فیلم خودش چیست، چندان برایم مشخص نیست، اما هر چه هست ساخت فیلمی خاص نیست. جواد عزتی، کارگردان فیلم جذابی ساخته (حداقل برای مخاطب عام) اما روش داستان‌گویی‌اش خیلی شبیه گای ریچی، فیلمساز بریتانیایی و خالق آثار پرتحرکی همچون قاپزنی، هفت‌تیر، شرلوک هلمز و... است. دیالوگ‌هایش هم شباهت به گفت‌وگوی منحصر به فرد شخصیت فیلم‌های او دارد.

این را ننوشتم تا نقطه ضعفی برای جواد عزتی و فیلم اولش (تمساح خونی) آورده باشم. اتفاقاً به نظرم تسلط او در این نوع روایت (آگاهانه یا ناآگاهانه) نشان از مهارت و انتخاب درستش دارد.

فیلم با این نوع روایت پرتنش جذاب‌تر شده و به قصد فیلمساز (ایجاد شادی برای بیننده) کمک زیادی کرده است. بازی‌های متناسب با قصد فیلمساز، موسیقی همراه با داستان (به لحاظ ضرباهنگ و فضا سازی) فیلمنامه پرکشش و البته به دور از زیر متن و... نیز از نقاط مثبت فیلم (حداقل برای نزدیک کردن فیلم به پسند مردم) به حساب می‌آید و می‌تواند زمینه ادامه کار جواد عزتی را برای بازی در فیلم خودش فراهم سازد.

تابستان همان سال اگرچه برآمده از وسوسه فیلمسازی دیگری است (با این تفاوت که این‌بار وسوسه این کار سراغ فیلمبردار درجه یکی رفته که يك بار هم فیلم ابر و آفتاب را ساخته) اما به لحاظ نوع و ساختار تفاوت‌های بسیاری با فیلم تمساح خونی دارد. محمود کلاری، نویسنده و کارگردان فیلم تابستان همان سال را با تکیه و مکث بر لحظات به ظاهر عادی زندگی پیش برده است، اما این مکث با نگاهی همراه است که بخش‌هایی از فیلم را به شعری بصری نزدیک کرده است. توانایی و شناخت محمود کلاری باعث شده تا فیلم در نوع خودش جذاب و تاثیرگذار باشد. تابستان همان سال فیلمنامه خوبی دارد و بازی‌ها

این فیلمنامه را خوب همراهی کرده است. تدوین و موسیقی متن فیلم هم از نقاط مثبت فیلم است. فقط تمساح خونی و تابستان همان سال باعث خوب شدن روز جمعه در برج میلاد (کاخ جشنواره) نبودند. فیلم بی‌بدن ساخته مرتضی حسین علیزاده (فیلمساز دهه شصتی که در کارنامه‌اش چند فیلم کوتاه موفق دیده میشود) هم به خاطر فیلمنامه‌اش فیلم قابل توجهی شده. فیلمنامه‌ای که همانند فیلمنامه دیگر فیلمنامه‌نویسش (کاظم دانشی) از قضاوت، آدم‌های درگیر در پرونده‌های جرم و جنایت و قاضیان پاکدست در کنار دست‌اندرکاران فاسد امر قضا سخن می‌گوید.

**\*حسن لطفی/منتقد سینما**